

# مختصر شرحی در وابستگی جناب آقای سید محمد خاتمی به دولت فحیمه انگلیس

پیش از آنکه به شرح مطلب اصلی یعنی دلایل وابستگی خاتوادگی جناب آقای سید محمد خاتمی به سیاست دولت فحیمه انگلیس، و بطور کلی به گروه انگلواسلامیست‌های ایران، پرداخته شود، ضرورت دارد که مطالب دیگری را به صورت مقدمه به استحضار خوانندگان گرامی برسانیم:

## مقدمه اول

### تصمیم استعمارگران انگلیسی به اضمحلال

### حوزه مذهبی اصفهان و تأسیس حوزه‌های

### مذهبی جدید در امپراطوری عثمانی

از دوران صفویه که در اثر اقدامات سلاطین آن سلسله، اکثریت قریب به اتفاق مردم مسلمان و شافعی مذهب ایران به آئین شیعه گرویدند، تا تأسیس سلسله قاجار، مرکز دینی شیعیان در شهر اصفهان قرار داشته است.

اولین نمایندگان و مأموران حسابگر و نفع‌طلب انگلیسی که جز تعصب شدید در مورد عظمت بریتانیای کبیر، هیچ تعصب دیگری، مخصوصاً از نظر مذهب، نداشته‌اند ضمن بررسی‌های دقیقی که از همان ابتدا در ایران به عمل آورده‌اند، متوجه استفاده‌هایی که می‌توانند از پیشوایان بزرگ روحانی به عمل آورند، شده‌اند.

اینان ابتدا در صدد برآمده‌اند که روحانیون بزرگ وقت را با وسائلی که همیشه در این قبیل مواقع معمول می‌باشد، تطمیع کرده و به انجام خیانت‌های مورد نظر خود وادار سازند. اما ظاهراً در این راه موفقیت چندانی نصیبشان نشده است. زیرا همواره یکی از مهمترین وسائل مأموران استعمارگر برای وادار ساختن اهالی کشورهای دیگر به خیانتکاری پول بوده است. ولی این روحانیون بزرگ با در اختیار داشتن درآمدهای سرشار موقوفات و وجوه شرعیه فراوان، احساس احتیاج به پول نمی‌کرده‌اند تا اینکه خود را در مقابل دریافت مبلغی در اختیار بیگانگان قرار دهند.

وسیله مهم دیگر مأموران استعمار، رساندن آبادی خود به مشاغل و مقامات حساس و عالی از طریق تبلیغ، انواع صحنه‌سازی‌ها و حتی جنایت بوده است، با این شرط که آنان پس از نیل به آن مقامات و مشاغل هر اقدام خیانتکارانه‌ای را بی‌چون و چرا به مرحله اجرا در آورند. این امر نیز نمیتوانسته است در مورد آن روحانیون بزرگ قابل اجراء باشد، زیرا آنان به قدر کافی در نظر مردم محترم بوده‌اند و مأموران استعمار، نمیتوانسته‌اند مقام و احترامی بالاتر، برای آنان دست و پا کنند.

یک وسیله مهم دیگر مأموران استعمار، استفاده از زنان جوان و زیبا بوده است که از این حیث نیز همواره حتی برای هر روحانی درجه دوم نیز وفور نعمت، وجود داشته و دارد! یعنی هر یک از آنان گذشته از یک یا چند زن عقدی دائمی، غالباً در حرمسرای خود تعدادی زن صیغه‌ای هم داشته‌اند.

در هر حال، در این شرایط دولت استعماری انگلستان به این نتیجه رسیده است که مرکز مذهبی اصفهان و روحانیون موجود در آن، به دردش نمی‌خورد و از اوایل دوران قاجاریه تصمیم گرفته است که مراکز جدیدی در جاهای دیگر تأسیس نماید و در آن مراکز از همان ابتدا روشی را معمول دارد که هیچکس، جز ایادی و نوکران گوش به فرمان خودش نتواند به مقام رهبری شیعیان دست یابد. به عبارت روشنتر، نیل به مقام مرجعیت یا رهبری شیعیان را وسیله تطمیع برای افراد خائن و ریاکاری قرار دهد که برای سرسپردگی و خدمت به انگلستان آمادگی دارند.

در اجرای این تصمیم، قرعه‌ی فال جهت تأسیس مراکز مذهبی جدید به نام **گزیلا** و **نجف** افتاده است، زیرا این دو شهر در آن زمان در قلمرو امپراطوری سنی مذهب عثمانی قرار داشته‌اند و با توجه به تعداد قابل توجهی افراد شیعه مذهب در بین‌النهرین آن زمان و عراق حالیه، دولت انگلستان می‌توانسته است، در زمانهای مقتضی از این مراکز شیعه مذهب، مانند شمشیر دو دم، هم بر علیه دولت عثمانی و هم بر علیه دولت ایران استفاده کند.

یعنی اولاً، به علت خارج بودن این دو شهر از قدرت و تسلط دولت ایران، مراجع تقلید مقیم آنها بتوانند، بدون دغدغه خاطر و ترس، به صدور هر فتوایی بر علیه هر یک از زمامداران و قدرتمندان این کشور مبادرت کنند.

و ثانیاً، شیعیان بین‌النهرین به قدرت قابل توجهی تبدیل شوند تا در هر زمان که لازم باشد بتوانند برای دولت عثمانی، از راههای متعدد، مثلاً ایجاد جنگ شیعه و سنی، ایجاد مزاحمت نمایند. اما شواهد موجود نشان می‌دهد که دولت انگلستان **کاظمین** و **سامره** را نیز از یاد نبرده بوده است. به این معنی که پیش از آنکه **گزیلا** و **نجف** را به عنوان مراکز جدید مذهبی شیعیان انتخاب نماید، در مورد این دو شهر، مخصوصاً در مورد **کاظمین** که مدفن دو نفر از امامان شیعه در آن قرار دارد بررسیهای کافی به عمل آورده است.

کسیکه مأمور انجام بررسی‌های جامع در تمام زمینهای مورد نظر در **کاظمین**، به ویژه برآورد هزینه‌های لازم برای تأسیس یک مرکز مذهبی شیعه، در آن شهر بوده، ظاهراً نام **سید صالح** را به خود بسته بوده است.

این شخص که با قیافه‌ای کاملاً اروپائی ولی در لباس روحانیون شیعه مذهب لبنان بوده، به ناگهان در سال ۱۱۹۷ قمری (تق ۱۶۲۰ ش. - ۱۷۸۳ م.) با شجره‌نامه‌ای مشکوک، در کاظمین پیدا شده و مدعی گردیده است که چون در لبنان جانش در خطر قرار داشته، لذا از آن کشور فرار کرده است.

این **آقای سید صالح** خود را به عنوان فرزند **سید محمد شرف‌الدین** (ابن **سید ابراهیم شرف‌الدین**) که یکی از پیشوایان مذهبی شیعه لبنان بوده معرفی می‌کرده است. ما در حال حاضر میدانیم که **سید محمد شرف‌الدین** در سال ۱۱۳۹ هـ.ق. (یعنی ۵۸ سال قبل از مهاجرت مزبور) در لبنان وفات یافته بوده و سنی نمیدانیم که **سید صالح** در زمان مهاجرت به کاظمین چند سال از سنش می‌گذشته است.

**سید صالح** دارای دو فرزند پسر بوده است به اسامی **سید محمدعلی** و **سید نصرالدین**.

جالب توجه این است که تعدادی از فرزندان و فرزندزادگان سید محمدعلی به لبنان مهاجرت کرده و به بهانه اینکه لبنانی الاصل و از فرزندزادگان سید ابراهیم شرف‌الدین میباشند (و به همین جهت هم به آل شرف‌الدین شهرت دارند) در میان شیعیان لبنان جایی برای خود باز کرده‌اند و تعدادی از آنها، با استفاده از امدادهای غیبی، در آن کشور به مقاماتی نیز رسیده‌اند.

اما آن عده از فرزندان سید صالح که در همان بین‌النهرین (عراق) باقی مانده‌اند و شهرت آل صدر را برای خود برگزیده‌اند، اکثراً به صورت قاهر، از مخالفان و مبارزان سرسخت صاحب بوده ولی در حقیقت از خدمتگزاران صمیمی و واقعی آن حضرت محسوب میشده‌اند.

تعدادی از این مبارزان ضد انگلیسی نیز با حمایت امدادهای غیبی در عراق به مشاغل عالی دست یافته‌اند که از جمله آنان میتوان از سید محمد، نتیجه (پسر نوه) سید محمد علی نام برد که:

... در کنار میرزای دوم شیرازی علیه انگلیس قیام نمود و سالها در عراق رئیس مجلس امیان بود و به مقام نخست‌وزیری نیز رسید...  
(دائرةالمعارف تشیع - جلد اول - صفحه ۱۹۲)

## مقدمه دوم

### تغییر تصمیم دولت انگلیس در مورد مراکز

### مذهبی شیعه بعد از پایان جنگ جهانی اول

بعد از پایان جنگ جهانی اول که امپراطوری عثمانی تجزیه شده و مقداری از سرزمینهای متعلق به آن امپراطوری، از جمله عراق، به صورت تحت‌الحمایه انگلیس در آمده‌اند، سیاست مذهبی انگلیس نیز متناسب با وضع جدید تغییر یافته است.

زیرا همانطور که گفته شد مهمترین هدف دولت انگلیس از تأسیس کربلا و نجف این بوده است که در مواقع لازم به ایجاد بلواها و آشوبها بر علیه امپراطوری عثمانی و یا در ایران، در نتیجه فتواهای پیشوایان مذهبی، مبادرت نماید. اما بعد از جنگ جهانی اول، با بر سر کار آمدن دولت تحت‌الحمایه انگلیس در عراق، دیگر کاملاً ضرورت داشته است که حتی الامکان امنیت و آرامش کامل در آن کشور حکمفرما باشد و از هرگونه بلوا و آشوبی جلوگیری شود.

با توجه به مراتب بالا، دولت انگلستان تصمیم گرفته است که باز دیگر مرکز مذهبی تشیع را به ایران منتقل نماید.

در اینجا ما باز هم دو نفر را، که ظاهراً تبار لبنانی داشتند، می‌بینیم که یکی در مشهد و دیگری در قم به انجام بررسیهای لازم اشتغال دارند.

مأمور اعزامی به مشهد، به نام سید صدرالدین صدر نتیجه (پسر نوه) همان سید صالح ظاهراً لبنانی میباشد که پیش از تعیین کربلا و نجف به عنوان مراکز جدید مذهبی شیعه، به کاظمین اعزام شده بود و

مأمور شاغل در قم به نام میرزا محمد ارباب، فرزند شخصی بوده است با قیافه کاملاً اروپائی، به نام محمد تلقی میگ، که ظاهراً او هم از اهالی لبنان بوده و از زمان ناصرالدینشاه در قم پسر میبرده است.

## مقدمه سوم

### مختصری در معرفی خاندان طباطبائی (در ایران) و خاندان آیتالله حکیم (در عراق)

**خاندان طباطبائی**، که در ایران به دو خانواده به اسامی **بحرالعلوم** و **طباطبائی** و در عراق به خانواده آیتالله حکیم تعلق دارند، شعبه‌هایی از یک طایفه بسیار بزرگ، انگل‌صفت و خیانتکار میباشند که شجره‌نامه‌هایشان در شخصی به نام **مراه هندی** به هم وصل میگردد. این **مراه هندی** که در دوران پادشاهی صفویه به ایران اعزام شده، سه پسر داشته است به اسامی **عبدالکریم**، **ابوالعالی**، و **محمدعلی** که به ترتیب اجداد اعلای سه خانواده **بحرالعلوم**، **طباطبائی**، و **حکیم** بشمار می‌آیند ولی بعداً افراد دو خانواده اول در ایران، اکثراً تمام خانوادگی **طباطبائی** را برگزیده و خانواده سوم، در عراق، نام خانوادگی **حکیم** را انتخاب کرده‌اند ( زیرا **سید محمدعلی** جد اعلای آنان **حکیم** یعنی **پزشک** بوده است ).

یکی از انگلهای گیاهی، به نام **سی**، که به شکل نواری ساریک و زردرنگ در مزارع و باغها در میان سبزه‌ها و گلها پیدا میشود، با سرعتی شگفت‌انگیز تکثیر می‌یابد و در اندک زمانی تمام محوطه اطراف خود را کاملاً آلوده میسازد و خیلی زود فراوت و شادابی را از هر گل یا گیاهی که به آن چسبیده باشد زایل مینماید.

این روحانیون **طباطبائی** و **حکیم** نیز که کاری جز مفتخوری و تولید مثل و هدفی جز اشاعه خرافات و موهومات به نام تشیع نداشته و همواره در اجرای اوامر **صاحب‌الامر و الزمان**، یعنی "سیرنگ"، آماده بوده‌اند، درست مانند همان سپه‌های گیاهی، در مدتی بسیار کوتاه تکثیر فراوان یافته و تعدادی از آنها هر یک به یکی از شهرهای ایران مهاجرت کرده‌اند و هر کدامشان، یک یا چند شهر را آلوده ساخته و سایر خانواده‌های **طباطبائی** در ایران را که دارای شجره‌نامه‌های کاملاً متفاوتی میباشند، بدنام ساخته‌اند.

یکی از مهمترین وجوهی که به منظور ایجاد، حفظ و توسعه نفوذ استعماری دولت بریتانیای کبیر در کشورهای ایران و عثمانی به صورت نیمه‌معنی به مصرف می‌رسیده "در آمد موقوفه‌ی عود" نام داشته است.

به طلبه‌های جزء و مردم عادی که، کم و بیش، از وجود و پرداخت وجوه مزبور، توسط **کنسول انگلیس** در بغداد، به مجتهدان شیعه آگاهی حاصل میکرده‌اند، گفته می‌شده است که **پادشاه صوبه عسود** در هندوستان واقف آن وجوه میباشند. اما بطور مخفی و خصوصی به استفاده کنندگان مجتهد از درآمد آن موقوفه میگفته‌اند که واقف واقعی وجوه مزبور یک زن زیبای شیرازی بوده است، و شرح آن اینکه آن زن زیبا در نوجوانی از خانه شوهر خود در شیراز فراری شده، در کشورهای دیگر به فاحشگی روی آورده و

بتدریج از مزد بغل‌خوابی و زنا‌ی محصنه، آنها را با مردان بیگانه و کافر، که در رأس گناهان کبیره و جزو حرامترین و ننگین‌ترین اعمال جای دارد، ثروت هنگفتی بهم زده است و پادشاه صوبه عود، بعد از مرگ این زن بدکاره و طبق وصیتنامه‌ای که از وی باقیمانده بوده، تمام ماترک وی را به پول نقد تبدیل کرده و با گذاشتن آنها به عنوان سپرده در یک بانک، در لندن، به وصنت و آرزوی آن فاحشه صورت تحقیق بخشیده است. به اینجهت هر طلبه یا روحانی که به ننگ استفاده از آن وجوه (که از طرف کنسول انگلیس در بغداد و به نام درآمد دختر هندی توزیع میگردد) تن میداده، مسلماً دیگر هرگز نمیتوانسته است که از اجرای دستورات توزیع‌کنندگان انگلیسی آن خودداری نماید زیرا گناهان مربوط به اجرای آن دستورات به مراتب مشروعتر از استفاده از حاصل پارتیج! نامشروع یک فاحشه شوهردار در بغل‌خوابی با کفار بوده است.

در اینجا از شرح بیشتر راجع به این وجوه خودداری کرده و از خوانندگان گرامسی که مایل به آگاهی از نحوه توزیع این وجوه بین مجتهدان نجف و کربلا و اسامی تعدادی از آنان میباشند دعوت مینماید که به کتابهای زیر مراجعه فرمایند: جلد ششم از دوره هشت جلدی "تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن ۱۹" تألیف محمود محمود، (صفحات ۳۳۳ تا ۳۳۸) - کتاب دست پنهان سیاست انگلیس در ایران تألیف خان ملک ساسانی - انتشارات پاپک (صفحات ۱۰۳ تا ۱۰۵) - خاطرات سیاسی سر آرتور هاردینگ (وزیر مختار انگلیس در ایران در زمان مظفردینشاه و مقسم اصلی وجوه محرمانه مزبور در آن زمان) - ترجمه دکتر جواد شیخ‌الاسلامی - مرکز نشر دانشگاهی - صفحات ۱۰۴/۵ - حقوق‌بگیران انگلیس در ایران - اسمعیل رائین (صفحات ۹۷ تا ۱۱۲).

در میان روحانی‌نمایان مزدور که در ایران به خدمت انگلیس در آمده بودند اسامی اعضای دو خانواده "بحرالعلوم و طباطبائی" جای خاصی دارند و محمود محمود در جلد ششم کتاب "تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس"، این واقعیت مسلم را در مورد آن دو خانواده ذکر کرده است: "... هنوز هم این دو خانواده از خدمتگزاران صمیمی دولت انگلیس و از سهمیه پول هند متمتع و برخوردار میشوند ..."

و نیز در تعلیقات حسین محبوبی اردکسانی بر کتاب السآثر و الآثار (تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه) ضمن توضیح در مورد "پول هند" میخوانیم: "... خانواده طباطبائی بیش از همه علمسای منتقد دیگر با انگلیسها ارتباط داشتند." (السآثر و الآثار - چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدینشاه - انتشارات اساطیر - جلد دوم - صفحه ۷۵۹) همانطور که اشاره شد مردان خاندان طباطبائی، به علت زیادی همسر و فراوانی فرزند و اعزام این فرزندان به نقاط مختلف در ایران جهت اشاعه خرافات و موهومات، در مدت بسیار کوتاهی قسمت مهمی از این کشور را آلوده ساخته‌اند.

مثلاً سید محمد مهدی بحرالعلوم برادر خود به نام سید جواد را به بروجرد اعزام کرده تا با پولهای تبرکات و حلال دختره‌ندی! به انجام مأموریتهای محوله و تکثیر مثل و اشاعه خرافات مشغول گردد! و این شخص جلد اعلای طباطبائی‌های بروجردی بشمار میرود.

در این زمان بوده که پیشقدم شدن ایران در جنگ با روسیه تزاری از نظر دولت انگلیس امری غیر قابل اجتناب بشمار می‌رفته است برای اینکه تعهدات این دولت را از نظر ارسال کمک نظامی و پول به ایران ساقط سازد، مأموریت خیانتکارانه و ادار ساختن ایران به آغاز جنگ به عهده **سید محمد طباطبائی**، معروف به مجاهد، واگذار شده است.

**پک سید محمد طباطبائی** دیگر، یعنی یکی از دو پیشوای روحانی مشروطیت نیز از چند جهت از سوی پدر و مادر به همین **سادات بستگی** داشته است و این نویسنده یقین دارد که اگر دولت انگلستان از مشروطیت ایران جانبداری نمی‌نمود این **سید** و سایر **سادات طباطبائی** هم در زمره حامیان مشروطیت قرار نمی‌گرفتند.

**مطلب دیگری که لازم به توضیح میباشد این است که از آغاز اجرای اصل معقول اجتهاد و تقلید، اکثر مراجع تقلید، آنگاه پدر و اجدادشان ساکن ایران بوده‌اند، با از خانواده‌ی طباطبائی بوده و یا با آن خانواده خدمتگزار انگلیس بطور سببی بستگی پیدا کرده بوده‌اند.**

**محمد باقر اصفهانی**، مشهور به **وحید بهبهانی**، را بیان‌گذار، و یا در حقیقت بدعت‌گذار، اصل اجتهاد و تقلید بشمار می‌آورند و این شخص دو خواهر خود را به عقد دو نفر از **سادات طباطبائی** در آورده و دو دختر خود را نیز به در پسر که از این دو خواهر تولد یافته بودند داده است!

**سید محمد مجاهد**، که شرح شیانت عظیم وی در بالا داده شد، فرزندی بوده که سادش یکی از دختران **وحید بهبهانی** و پدرش یکی از خواهرزادگان وی بوده است.

بطوری که میدانیم جد روح‌الله **خعینی**، به نام **سید احمد هندی**، نیز مانند **سید مراد هندی**، جد **طباطبائی‌ها**، در زمره **سادات وارهایی از هندوستان** بوده و به همین جهت قاعدتاً، پسر وی یعنی **حجت‌الاسلام والمسلمین! حاج احمد آقا**، میبایست از شرط بستگی با **خاندان طباطبائی** جهت رسیدن به مرجعیت تقلید معاف باشد، معهداً میبایست هنگامی که **خعینی** (از نجف) به خیال خود این پسر کم‌عقل را (در قم) برای رسیدن به این مقام آماده می‌ساخته به او دستور داده بوده است با **فاطمه طباطبائی** یعنی **حسان فاطمی** سرور بحث ما، دختر **حاج سید محمد باقر طباطبائی**، مشهور به **سلطانی** (شوهر خواهر **امام موسی صدر**) ازدواج نماید. **آیت‌الله سلطانی** با **آیت‌الله العظمی حاج آقا حسین بروجرهی** عموزاده یکدیگر بوده‌اند و **سید مهدی بحر العلوم** جد مشترک این هر دو نفر بوده است.

## مقدمه چهارم

**کمیانی هند شرقی انگلیس**، در آغاز برای اینکه بتواند به تنظیم برنامه‌هایی مؤثر، دقیق و ویژه برای هر منطقه از کشور وسیع ایران توفیق یابد، مسلماً قبل از هر چیز میبایست اطلاعات نسبتاً کاملی از نحوه زندگی مردم و مخصوصاً خصوصیات اخلاقی و رفتاری حکمرانان و متنفذین آن محل و دشمنی‌ها و

اختلافات خانوادگی و عشیره‌ای که بینشان وجود دارد کسب نمایند و تا آنجا که سوابق و اسناد شهادت میدهند این قبیل اطلاعات کاملاً ضروری و مفید غالباً توسط جاسوسانی کسب شده است که اکثراً در لباس درویشی و به نام درویش یا سید هندی به نقاط مختلف ایران اعزام شده بوده‌اند.

بطوری که شواهد و اسناد موجود نشان میدهد سید احمد هنسندی، پدر بزرگ خمینی یکی از جاسوسهای کمپانی هند شرقی بوده که در دوران محمدشاه قاجار در کسوت درویشی و به نام سید هنسندی به سرزمین بختیاری اعزام شده بوده است تا اطلاعات مهم و مورد نیاز کمپانی هند شرقی را کسب و برای آن کمپانی ارسال دارد تا در تنظیم برنامه نهائی شورش بختیارها مورد استفاده قرار گیرند و پدر روح‌الله خمینی، به نام سید مصطفی هندی، نیز در انجمن اخوت (که تشکیلاتی فراماسونری داشته و ظاهراً به صورت خانقاه در اویش فعالیت میکرد است) عضویت داشته و به احتمال قوی اداره شعبه‌ای از آن در استان اصفهان را، که تعدادی از خوانین بختیاری نیز در آن عضویت داشته‌اند، عهده‌دار بوده است.

## اصل مطلب

**سید صدرالدین صدر** (که در مقدمه اول معرفی گردید) پدر همان **امام موسی صدر** میباشد که امدادهای غیبی وی را به عنوان رهبر و امام، به شیعیان لبنان قالب کرده بود.

**امام موسی صدر**، متولد ۱۳۰۹ شمسی در مشهد، چند خواهر هم داشته است که یکی از آنان به همسری پسر عموی خود به نام **سید محمدباقر صدر** در آمده بود و ما میدانیم که این شخص و خواهرش به نام آمنه، بنشالهدی در دوران **صدام حسین** به جرم جاسوسی برای بیگانه اعدام شدند.

خواهر دیگر **امام موسی صدر** همسر شخصی است به نام **علی‌اکبر صادقی** فرزند **میرزا مصطفی صادقی** (شخص اخیر عرب‌نژاد و متولد ۱۳۱۱ق - ۱۲۷۲ش. در نجف میباشد که در سال ۱۳۴۲ق - ۱۳۰۲ش. همراه با تعدادی از پیشوایان مذهبی شیعه که از عراق به ایران تمهید شده بودند به قم اعزام شده و به منظور رونق بخشیدن به حوزه جدید تأسیس قم در همانجا ساکن گردیده است).

**دختر میرزا علی‌اکبر صادقی**، یعنی **خواهرزاده امام موسی صدر**، به نام **زهره صادقی**، همسر **جناب آقای سید محمد خاتمی**، رئیس جمهور اسلامی ایران، میباشد.

خواهر دیگر **امام موسی صدر** همسر **سید محمد باقر طباطبائی**، مشهور به **سلطانی**، است که دخترشان به نام **فاطمه طباطبائی** همسر **سید احمد خمینی**، پسر **روح‌الله خمینی** بود.

دختر **روح‌الله خمینی** نیز همسر **آیت‌الله شهاب‌الدین اشراقی** بوده است و این **آیت‌الله** هم نوه همان **میرزا محمد ارباب** میباشد که در بالا معرفی گردید و ما میدانیم که **دختر آیت‌الله اشراقی** یعنی **نوه روح‌الله خمینی**، به نام **زهره اشراقی** همسر **دکتر محمدرضا خاتمی**، برادر رئیس جمهور اسلامی، میباشد.

حال این خواننده عزیز، از تو سؤال میکنم که آیا وقتی که پدران ما بر مبنای تجربیات شخصی خود میگفتند: ریش هر اخوند را که به بالا بزنی در زیر آن عبارت: **Made in England** را ملاحظه خواهی کرد! درست نمیگفتند؟